

در دفاع از ارزشها و پرنسپهای انقلابی و کمونیستی به پا خیزیم (نگاهی به برخوردهای نادرست بهرام رحمانی بر علیه رفقای اتحاد سو سیالیستی کارگری)

بنفشه کمالی

8 نوامبر 2011

## اعتراض نکردم

اول به سراغ یهودی ها رفتند اعتراض نکردم

من یهودی نبودم ، اعتراض نکردم

پس از آن به لهستانی ها حمله بردند

من لهستانی نبودم و اعتراض نکردم

آنگاه به لیبرالها فشار آوردن

من لیبرال نبودم ، اعتراض نکردم

سپس نوبت به کمونیستها رسید

کمونیست نبودم ، بنابراین اعتراضی نکردم

سرانجام سراغ ، من آمدند

هر چه فریاد زدم کسی نمادنه بود که اعتراض کند

( بر تولت برشت )

در ماه سپتامبر و اکتبر 2011 شاهد درج چند مطلب به قلم بهرام رحمانی ( "حمله به بهروز خباز چه معنی دارد، 13 سپتامبر 2011 " " سقوط آزاد اتحاد سو سیالیستی کارگری به ورطه هرزگی سیاسی 15 سپتامبر 2011 " ، " باوه گویی های محفل ایرج - رضا پایانی ندارد 28 سپتامبر 2011 " رضا مقدم در راه دادگاه انقلاب اسلامی ، 9 اکتبر 2011 " و چندین مطلب دیگر که در همین رابطه نوشته شده است بودیم ، این مطالب در سایتهای فارسی زبان \* موجود میباشند . مقالات نام برده بهرام رحمانی عمدتا ، حاوی برخوردهای نادرست ، غیراصولی ، مخرب و مغایر با پرنسپهای انقلابی - کمونیستی در قبال رفقای فعال و اعضای با سابقه و مبارزین قدیمی متشکل در تشکیلات اتحاد سو سیالیستی کارگری بوده است .

در مقالات نامبرده بالا و مقالات دیگری که ایشان ( بهرام رحمانی ) در همین زمینه نوشته اند ، با برخوردهای غیراصولی و تخریب کننده در قبال رفقا ایرج آذرین و رضا مقدم که از مبارزین شناخته شده ای در جنبش کمونیستی و کارگری ایران هستند ، سعی کرده که این رفقا را تخریب کند . رضا مقدم و ایرج آذرین ، در زمره مبارزان قدیمی و پی گیر جنبش چپ و سو سیالیستی - کمونیستی هستند . سابقه مبارزاتی این رفقا در 3 دهه گذشته گواه روشنی از تلاش قاطعانه و پیگیرانه آنان بر علیه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی و سیستم و دولت حامی استثمارگران و سرمایه داری هار در ایران بوده است . این رفقا با ایستادگی در مقابل رژیم درنده خو و ضد کارگری و ضد زنان در ایران ، همواره و مانند هزاران مبارز کمونیست و انقلابی دیگر ، رنج زندگی در تبعید و مبارزه طولانی و مستمر را در راه تحقق جامعه ای سو سیالیستی ، با تمام سختی ها و فراز و نشیبهای آن صادقانه به جان خریده اند و در این راه به فعالیت مداوم سیاسی مشغول بوده اند ، بدون شک این رفقا نیز به مانند بسیاری از مبارزین و فعالین جنبش کمونیستی - کارگری در مسیر طولانی زندگی مبارزاتی و سیاسی خویش ، طبعاً دارای کمی و کاستیها و اشتباهاتی بود اند که بخودی خود هر انسانی که دست به مبارزه سیاسی - انقلابی میزند و هدفش نه فقط تفسیر جهان ، بلکه تغیر آن است و به همین دلیل وارد عرصه مبارزاتی میشود ، نیز ممکن است که دچار اشتباهاتی هم بشود که در این زمینه نه خود اشتباه بلکه چگونگی بر خورد به اشتباه مهم میباشد که این اصل در مورد همه مبارزین صدق میکند و هیچ فرد مبارزی از آن مبری نیست

چندش آورتر ، غیر اصولی تر و دشمنانه تر از همه ، کامنتهای بخشا بسیار مخرب ، کینه ورزانه ، زننده و آزار دهنده ای است که در زیر مطالبی که بهرام رحمانی نوشته و بر علیه رفقای ا . س . ک آورده شده است میباشد ، لحن کامنتها مشمنز کننده ( واقعا کلمه دیگری را نمیتوان در این مورد بکار برد ) و سر سام آور و کینه توزانه ، در قبال رفقای ا . س . ک میباشد و هر انسان آزاده و با پرنسپیی ، به جای کامنت گذاران این کامنتها ، عرق شرم بر پیشانی اش مینشیند ، زهی پرنسپیب و درستی و انسانیت و اخلاق در این افراد ... واقعا انسان از خواندن بخشی از این کامنتها دچار شرم که بقول لنین ، یک خصوصیت انقلابی است ، به جای نویسندگان این کامنتها میشود

کامنتها مملو از کینه ، نفرت ، اتهام و فحاشی به رفقای اتحاد سو سیالیستی کارگری میباشد و ریشه بر اندام هر انسانی که ذره ای احساس انسانی و آزادیخواهی و انصاف و صداقت داشته باشد میاندازد و بعضا عاری از هر گونه وجدان انسانی ، انقلابی و پرنسپییهای رایج و متداولی که بین مبارزین و انقلابیون هست و باید باشد ، میباشد و برای این کامنت گذاران هیچ اخلاق و پرنسپیی وجود ندا رد ، به جز بی پرنسپیی . ، متأسفانه تنها نیروهایی که از اینگونه برخوردهای ناسالم و مخرب ، به افراد و احزاب و تشکلهای انقلابی - کمونیستی و مبارز سود میبرند ، طبیعتاً در درجه اول رژیم استثمارگر و ضد انسانی جمهوری اسلامی با افراد ، ارگانهها و نیروهای سرکوب و ارتجاعی خود میباشد و در کنار آنها نیروهای راست ، و ضد کمونیست هم از شادی در پوست کثیف خود نمی گنجند ، نمونه هایی از این کامنتها را در زیر مطالب بهرام رحمانی ، در سایت اتحاد کارگری [1] میتوان یافت . متأسفانه بهرام رحمانی با افتخار ، بخشی از اینگونه کامنتهای بغایت مخرب را در زیر یکی از نوشتههای خود درج کرده اند . در زیر چند تا از این کامنتها را را برای آگاهی خوانندگان از محتوی این کامنتهای بغایت مشمنز کننده ، که من با نابالوری و بیزارى مجبور به خواندن آنها شدم را می آورم (کامنتها همانطور که توسط کامنت گذاران نوشته شده اند درج گردیده ، بدون تغیر در آنها )

## کامنت اول ، مجید ا

"برداشتن مصاحبه بهروز خباز در تی وی کومله و اهانت به وی قابل انتظار و خیلی طبیعی است. چون این گروه ضد کارگر آذری، حساب باز کرده بود که آقای خباز به گروه آنها می پیوندد اما حالا فهمیده اند که او مثل آنها فکر نمی کند. در نتیجه حلا کار آنها شکستن شخصیت او و در حد امکان مرعوب کردنش می باشد. اینها همین کار را در مورد یدی خسروشاهی و محسن حکیمی و ... انجام دادند. این جنبش چنان بی صاحب است که جیب کسی در نمی آید"

2011-09-16 11:43:38

کامنت دوم : همایون

" این جریان سوسیالیست کارگری هرگز سازنده نبوده بلکه ویرانگر و کاملا ضد کارگری عمل کرده است. اما اینها در طول این چند سال موفقیت‌های را بدست آورده اند. موفقیت این گروه اعزام جاسوس به درون تمام احزاب، سازمانها، نهادهای مدنی و کارگری می باشد. حضور قبلی آقای بهزاد سهالی در کمیته هماهنگی و لو دادن دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب نمونه بارز این واقعیت است"

2011-09-16 15:01:03

کامنت سوم رزگار

"راستش این تنها آقای بهزاد سهرابی نیست که گذشته خرابی دارد بلکه اربابانش هم و هر کدام به نوعی همین گذشته بهزاد را دارند. از این آب از سر چشمه آلوده است. با توجه به این گذشته شوم، ما انسانهای آزه و کمونیست نباید با این عنصرهای پلید وارد دیالوگ بشویم. در عوض ما باید به فعالین کارگری روکنیم و همه با هم مواظب باشیم که بیشتر از این جنبش کارگری آلوده نشود. آقایان رضا مقدم و ایرج آذری از جنس ما نیستند اینها آدمهای مثل امثال سهرابی را دور خود به کرایه گرفته‌اند تا از این طریق نفاق نفرت را در سنجند ، درون ما بوجود بیاورند"

2011-09-19 19:34:20

کامنت چهارم : جلال

"هم اکنون و اقیتهای روشن شده و تردیدی نیست که گروه جاده صاف کنهای جمهوری اسلامی (آذری - مقدم) باعث فروپاشی کمیته هماهنگی شده اند. البته برای برخی از فعالین کارگری که قبلا از این کمیته کناریگری کردند، کناریگری محمود صالحی چیزی تازه نیست. ما به موقع این خطر را به رفا اعلام کردیم ولی برخی از دوسان بخاطر نزدیکی جلال اربابانشان با این جماعت ضد کارگر سکوت کردند. حالا دیگر استعفا فایده ندارد چون غده سرطان ترکیده و تنها راه حل منحل کردن کمیته هماهنگی است. کردستان"

2011-09-22 13:16:15

کامنت پنجم سوران گفت :

"سلام به بهرام و کامنت گذاران و خسته نباشید برای کار بدستان منترم سایت اتحاد کارگری. اینجا می خواهم نکته‌ای به اطلاع شما برانسم. من فکر می کنم انتقاد از محفل آذری و مقدم خوب و بجا است اما یک ناعدالتی به چشم می خورد. این ناعدالتی عبارت از این واقعیت است که این تنها محفل رضا و ایرج نیست که به جاده جمهوری اسلامی و کل سرمایه‌داری تبدیل شده‌اند. اگر قرار است که منافع مردم در محور مبارزه باشد و اگر قرار بر این است که احزاب ابزار باشند نه هدف، آن وقت باید به خراب کاری بقیه احزاب هم حمله کرد"

2011-09-24

سیر طولانی اینگونه کامنتهای مخرب و بر خاسته از فرهنگ لمپنیزم و خشونت بار، همچنان ادامه دارد و بعد از خواندن این کامنتها تنفر و انزجار خواننده از اینگونه برخوردهای غیر اخلاقی، غیر اصولی بیشتر و بیشتر میشود

متأسفانه، بهرام رحمانی، چنان غرق نفرت به رفقای قدیمی خود شده است که از برخوردهای ما کیا ولیستی نیز پروا نداشته است و از زنده یاد فرزند کامناگر برای پیش برد ادعاهای خود را علیه رفقای ا. س. ک استفاده نموده و از شعری که در وبلاگ شخص دیگری به همین نام ( فرزند کامناگر ) که این شخص در قید حیات است و دانشجو میباشد، بر علیه رضا مقدم استفاده کرده و این دانشجویی را که تشابه اسمی با زنده یاد فرزند کامناگر دارد را به جای فرزند کامناگر اصلی قرار داده و به این وسیله خواستند که " بد طینتی و بد سرشتی " رفیق رضا مقدم را به زعم خود ( بهرام رحمانی ) ثابت کنند و حقانیت خود را نشان دهند و از اسم و اعتبار زنده یاد فرزند کامناگر سوء استفاده کردند. علاوه بر آن، ایشان ( بهرام رحمانی ) همچنین از دستگیری یک جوان دیگر، به نام محسن حکیمی که بنظر میرسد عضو نهضت آزادی بوده است و دستگیر شده است، نیز استفاده کرده و او را به جای محسن حکیمی که مترجم و نویسنده و عضو کانون نویسندگان است را نام برده و عجولانه و بدون تحقیق و توجه به اینکه این اشخاص، همان کسانی که مورد نظر او میباشند، نیستند و فقط تشابه اسمی با آنها دارند را افراد اصلی زنده یاد فرزند کامناگر و محسن حکمی، مترجم و نویسنده و عضو کانون نویسندگان حساب کرده، و دستگیری او ( محسن حکیمی، جوان ) را نیز به حساب رفقای اتحاد سو سیالیستی کارگری گذاشته است، با تاسف باید بنویسم که وقتی که برای بهرام رحمانی روشن شد ( اگر قصد اواز بردن این اسامی عمدی نبوده و اشتباهی از طرف او شده باشد، بدون اینکه خود تعدا خواسته باشد ) که این فرزند کامناگر و آن محسن حکیمی، اشخاص دیگری هستند و فقط تشابه اسمی با آن دو نفر دیگر دارند، اشتباه خود را تصحیح نکرده و ایشان ( ب. رحمانی ) طوری برخورد کردند که انگار آب از آب تکان نخورده است، حداقل کاری که بهرام رحمانی میتوانست و میتواند انجام دهد، این بوده و هست ( هنوز دیر نشده است ) که موضعی کمونیستی و اصولی اتخاذ میکردند و یا هنوز اتخاذ باید بکنند و با انتقاد از خود، این اشتباه بزرگ خود را جبران کنند و از رفقایی که مورد اتهام واقع شده اند پوزش بطلبند، باشد که پوزش ایشان از رفقای ا.س. ک شاید که از زیانهای ناشی از برخوردهای مخرب وارد شده به این رفقا، توسط بهرام رحمانی و کامنت گذاران کینه توز و خشن، قدری کاسته گردود در عین حال، به رشد جو سالم در میان نیروهای سیاسی چپ انقلابی کمک نماید، متأسفانه بهرام رحمانی تاکنون اینکار را در این رابطه مشخص انجام نداد ده اند، شاید بزودی اینکار را انجام دهند و فصل جدیدی در رابطه خویش با این رفقا بکشایند و آغاز سنتی درست و پیشرو برای سایر مبارزین و انقلابیون باشند

کمونیستها و انقلابیون از انتقاد و انتقاد از خود هر اسی ندارند و بقول لنین به مردم دروغ نمی گویند

مهمتر، درنکاتر و غیر قابل قبول تر از همه، سکوت کشنده و اعتراض نکردن تقریباً دسته جمعی، افراد، سازمانها و تشکلات چپ انقلابی و سو سیالیستی، نسبت به حمله های کینه جویانه، اتهامات و تخریب شخصیت رفقا ایرج آذری و رضا مقدم میباشد که به شیوه ای مخربانه، سیستماتیک و بر خلاف پرنسیپهای پرولتاری و به شکلی نادرست و غیر رفقانه از طرف بهرام رحمانی و بخشا کامنت گذاران، صورت گرفته است .

شروع ماجرا از این قرار بود که یکی از فعالین جنبش کارگری و سخنگوی سابق کمیته هماهنگی بنام بهروز خباز در مصاحبه ای که تلویزیون کومه له با ایشان داشته ( نکاتی پیرامون یک مصاحبه 4 سپتامبر 2011 )، به زعم و نظر یکی دیگر از فعالین جنبش کارگری به نام بهزاد سهرابی ( در مطالبی که ایشان نوشته است به نام، " باز هم تحریف، تحریف، 5 سپتامبر 2011 " و مطلب دیگری به نام "جنبش کارگری نیازمند صداقت است نه تحریف" ) بهروز خباز اظهارات غیر واقعی در مورد موقعیت خویش اظهار داشته که این مطالب (بهزاد سهرابی) باعث شده بود که بهرام رحمانی برای دفاع از بهروز خباز اقدام به نوشتن مطلبی در همین رابطه نماید ( حمله به بهروز خباز چه معنی دارد. مطلب بهرام رحمانی 13 سپتامبر 2011 ) در همین مطلب و در مطالب بعدی که بقلم بهرام رحمانی نوشته شده است، ایشان به طرح مسائلی چون سو لیاداریتی ستر، کمیته هماهنگی و دستگیری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و قضیه استعفا خویش را از کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و نامه رفقا رضا و ایرج آذری و به نقل از بهرام رحمانی " محفل رضا مقدم - ایرج آذری"، (این اسامی است که بهرام رحمانی برای نامیدن تشکل اتحاد سو سیالیستی کارگری بکار میبرد) را به حزب کمونیست ایران، محفل رضا مقدم - ایرج آذری" ( اتحاد سو سیالیستی کارگری )، (این اسامی است که بهرام مرکزی ج. ک.ا برای تقاضای اخراج بهرام رحمانی از طرف رفقا رضا مقدم و ایرج آذری، به زعم بهرام رحمانی مطرح شده بود. نوشته های بهرام رحمانی در این باره ( در آرشو سایتیهای فارسی زبان، سایت خود بهرام رحمانی و سایت اتحاد کارگری و غیره برای علاقمندان موجود میباشد) بخشی از مطالب، بهرام رحمانی پر از برخوردهای نادرست، غیر مسئولانه و مخرب نسبت به رفقای اتحاد سو سیالیستی کارگری میباشد، ایشان این رفقا را، خصوصاً رضا مقدم و ایرج آذری را مکراراً مورد حمله قرار داده و با وارد کردن اتهامات گوناگون به این رفقا آنها را با عناوینی مثل

همراه و کمک دهنده رژیم ضد بشری جمهوری جعل و سر کوب نامیده و سعی در تخریب شخصیت آنها نموده است ، دردناک تر و تاسف بارتر از همه این است که با وجودی که صدها فرد و تشکیلات چپ - انقلابی ناظر این برخوردهای مخرب هستند ، هیچ شخص و تشکل انقلابی- سوسیالیستی برای رد این اتهامات و دفاع از این رفقا ( رفقای اتحاد سوسیالیستی کارگری ) اعتراض نموده و موضع گیری نکردند ، بقول بر تولت برشت " دریغا ، ما که زمین را آماده مهربانی میخواستیم کنیم ، خود نتوانستیم مهر بان باشیم " آری ما که هر کدام برای دنیایی انسانی و عاری از استثمار و استبداد و عاری از خود بیگانگی به معنای مارکسیستی آن مبارزه میکنیم ، قلم میزنیم ، تظاهرات و کمپین میگذاریم و به دفاع از زحمت کشان و کارگران و کودکان و زنان سراسر کره پهناور زمین و گیاهان و پرندگان و محیط زیست و هر موجود زنده ای که به او ستم شده و به کمک ما نیاز دارد میشتابیم و بلند میشویم ، متأسفانه در برابر مخرب ترین و غیر اصولی ترین برخوردها به مبارزین و رفقایمان و در جلوی چشمانمان ، جرئت اعتراض کردن نداریم ، در مقابل کوه عظیمی از اتهامات و انواع و اقسام برخوردهای غیر پرولتری و نادرست سکوت پیشه کرده و همگی شاهد و باعث تقویت و اشاعه اخلاق و رفتارهای منحط بورژوازی و کینه توزانه و بهره جویانه و خودخواهانه میشویم و اعتراضی نمیکنیم ، اخلاق و پرنسیپهای با ارزش پرولتری- سوسیالیستی ، حاوی همبستگی ، مبارزه با بی عدالتی ، مبارزه با جعل و تحریف از یک طرف و تلاش در جهت و رشد و ترویج جو اعتماد و رفاقت و همبستگی پرولتری و صمیمیت و انتقاد و انتقاد صادقانه از خود ، از طرف دیگر که طبیعتاً همه این خصوصیات و رفتارها از آگاهی سیاسی و انقلابی پرولتری سر چشمه میگردد .

برخوردهای بدینگونه غیر اصولی و مخرب ، به مانند ، برخوردهای بهرام رحمانی و کامنت گذارانی از این دست ، فقط به جو ناسالم در بین تشکلات و افراد مبارز و انقلابی دامن میزنند و باعث دلسردی و اشاعه بی اعتمادی در میان کارگران و اقشار مختلف زحمتکشان و آزادیخواهان و جوانان با انگیزهای پر شور انقلابی - مبارزاتی خواهد شد و به جای پیشبرد مبارزه سوسیالیستی ، مانع پیشروی آن خواهد شد

با برخوردهای رشد دهنده و سازنده و انتقاد از خود و اصلاح و تغییر خویش در جهت اهداف انقلابی ، سعی در تعمیق و غنا بخشیدن به پرنسیپها و ارزشها و اخلاقیات کمونیستی میکنیم . سعی در استمرار و پیشبرد آگاهی کمونیستی و طبقاتی داشته باشیم و بدنبال تحقق اهداف و چشم انداز انقلابی - سوسیالیستی ، بجای تخریب یکدیگر باشیم و با قبول مسئولیت انقلابی - کمونیستی در این زمینه با قلم و رفتار خود ، جنبش کارگری- سوسیالیستی را ارتقاء دهیم

<http://www.newoctober.com>

[banafshekamali@gmail.com](mailto:banafshekamali@gmail.com)

[behroozs21@gmail.com](mailto:behroozs21@gmail.com)

مطالب مربوط به این بحث در سایت آزادی بیان ، اتحاد کارگری ، سایت اتحاد سوسیالیستی کارگری و مبارزان کمونیست موجود میباشد \*